

## نسبیت ضرورت حجاب اسلامی با اصل کاهش جرم در پرتو آثار و قوانین آن؛ تاکید بر سیاست مشارکتی مردم نهاد

علیرضا زارعی<sup>۱</sup>، فاطمه صفایی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی مطالعات خانواده دانشگاه الزهراء تهران

### چکیده

حجاب به عنوان امری مهم در قوانین مختلف مورد تاکید قانونگذار قرار گرفته است با این قید که در برخی از متون قانونی دارای مفهوم جزایی و در مواردی نیز به عنوان تخلف اداری یا انضباطی قابل بررسی است. حجم بالای قوانین در این زمینه نشان می دهد فرهنگ عفاف و حجاب با توجه به آثار زیادی که در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی دارد باید به عنوان یکی از مبانی فرهنگ اصیل اسلامی همواره مورد توجه حاکمیت و جامعه قرار گیرد بنابراین جهت کاهش خطرات ناشی از عدم رعایت حجاب لازم است تا نهادهای قانونی با این پدیده برخورد نمایند همچنین ضرورت وجود اقدامات قانونی به عنوان عاملی برای کاهش حجاب نامتعارف اگرچه ضروری و لازم است اما کافی نیست از این رو ایجاد سیاست مشارکتی جهت جلوگیری از ارتکاب بی حجابی با محوریت حضور نیروی مردمی در عرصه اجتماع، امری قابل توجه و غیر قابل انکار خواهد بود به همین علت می بایست علاوه بر ضرورت نقش آفرینی مراجع قانونی، از نقش مردم و نیروی جامعه نیز در این زمینه استفاده حداکثری برد چه اینکه ایجاد جامعه سالم در خصوص موضوعی فرهنگی اجتماعی همچون حجاب با استفاده از بسترهای فرهنگ ساز و مشارکت مردمی، از نتیجه مطلوب تری برخوردار خواهد بود تا آنکه بخواهیم از ضمانت اجرای قانونی یا قضایی برای تحقق هدف مطلوب استفاده نماییم بنابراین بهره گیری از ابزار مردمی جهت تحقق اصل حجاب در اجتماع و در نتیجه جلوگیری از جرایم خلاف عفت و اخلاق جنسی و به طور کلی کاهش جرم به عنوان ضرورتی مهم، قابل توجه است.

**واژه های کلیدی:** حجاب، آثار اجتماعی، کاهش جرم، سیاست مشارکتی، قانونگذاری کیفری، کنترل اجتماعی، ابزار فرهنگی

## ۱. مقدمه

پیشینه حجاب و پوشش انسان به اندازه تاریخ آفرینش اوست. پوشش و لباس هر انسانی پرچم کشور او تلقی می شود که در خانه وجودش نصب شده و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ و آداب و رسوم تبعیت می کند. همچنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی خویش ابراز می کند هر انسانی که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته است، لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را به تن خواهد کرد. حجاب و پوشش بارزترین نشانه فرهنگی و نماد ملی است که به سرعت تحت تاثیر سایر پدیده های فرهنگی قرار می گیرد. هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با تغییر در پوشش مردم مشخص می گردد همچنان که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری نیز، در اولین مرحله از طریق تغییر در پوشش مردم چهره می نماید.

هدف اسلام، سعادت و تکامل انسان است و دستورهای دینی و احکام فقهی در همین راستا عرضه شده است در حقیقت هدف تمامی آموزه هایی که از سوی خداوند متعال نازل شده، در جهت تعالی و رشد انسان در همه ابعاد مادی، فردی و اجتماعی می باشد در نتیجه احکام الهی مرتبط با پوشش زنان نیز در همین راستا صادر گردیده است. حجاب امری فطری و از ضروریات دین اسلام می باشد با این وجود در طول تاریخ این مسئله همواره مورد تهاجم دشمنان دین بوده است طوری که از مسئله کشف حجاب در کشورهای اسلامی تا وضع قانون ممنوعیت حجاب در کشورهای غربی و ترویج برهنگی و ایجاد شبهات گوناگون در ذهن نوجوانان و جوانان، همگی گویای این مطلب است.

حجاب آنچنان تاثیر عمیقی بر روح جوامع بر جای می گذارد که اثر معکوس آن را در تحقق پاره ای از جرایم نیز می توان مشاهده کرد. آندسته از جرایمی که با محوریت بزه دیدگی زنان در جامعه رخ می دهد تنها بخشی از آثار عدم توجه به این پدیده متعالی اسلامی است از این رو قانونگذار اسلامی علی الخصوص قانونگذار کیفری در موارد مختلف بر مسئله حرمت تعدی به زنان و کودکان اشاره کرده برای مثال ماده ۶۱۹ از قانون تعزیرات مصوب ۷۵ اشعار می دارد «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد» در همین راستا با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که در مقام بیان جرایم قابل گذشت است می توان گفت از آنجا که ماده ۶۱۹ تعزیرات جزء جرایم قابل گذشت نیست پس دارای جنبه عمومی بوده که این دیدگاه حکایت از اهمیتی دارد که نظام قانونگذاری برای جنس زن قائل بوده است.

به نظر می رسد که قانونگذار سعی دارد تا از جنس زن در نظام اسلامی حمایت کند و نه تنها او را از محور تعرض یا خشونت جدا نماید بلکه سایر جرایم و آسیب های اجتماعی را نیز کاهش دهد در همین راستا از جمله دستوراتی که قانونگذار به زن می دهد، رعایت پوشش مناسب در صحنه اجتماعی است تا از این طریق میزان بزه دیدگی او و همچنین آسیب های اجتماعی کمتر شود بر همین اساس قانونگذار عدم توجه به این دستور را نوعی جرم یا تخلف تلقی می کند از این رو مرتکب بی حجابی وفق قوانین جزایی و اداری قابلیت پیگرد قانونی خواهد داشت چه اینکه سبب ورود آسیب به اجتماع شده است در حقیقت قانونگذار با جزایی دانستن مفهوم حجاب به دنبال حمایت قانونی از اقشار مختلف جامعه در برابر آسیب بی حجابی است از این رو لازم و ضروری است تا برای حفظ ارزشهای اصیل اسلامی و محفوظ ماندن اجتماع از خطرات ناشی از برهنگی زنان، قوانین به روز و مترقی متناسب با شان و منزلت و کرامت ذاتی آنان وضع شود به دیگر سخن ممکن است بگوییم قوانین موجود، اگرچه لازم الاجرا هستند اما قانون مترقی و پیشرفته ای به حساب نمی آیند چه اینکه در مواردی ممکن است عمل به آنها نتیجه عکس بدهد. در هر حال وجود قانون در زمینه حجاب امری لازم و ضروری است اما وجود قانون مترقی

می بایست به عنوان هدف اصلی مورد توجه قرار گیرد؛ در بحث مربوط به حجاب و قانونگذاری کیفری به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

نکته دیگر آنکه در کنار توجه به ضوابط قانونی برای حمایت از جنس زن در اجتماع، لازم است تا جامعه اسلامی با استفاده از موضوعاتی از جمله کنترل اجتماعی و مشارکت مردمی، نه تنها از زنان در برابر خطرات خارجی محافظت نماید بلکه با نظارت دائمی بر نحوه و کیفیت حضور آنان در عرصه اجتماعی و استفاده از ابزار فرهنگی اجتماعی، با پدیده بی حجابی مقابله و سبب افزایش جایگاه و منزلت زن در جامعه شود توضیح آنکه توجه به جایگاه حقیقی زن در نظام خانواده و اجتماع و تلاش برای تحقق منزلت راستین او، سبب تربیت جامعه ای سالم با اهداف مهم دینی خواهد شد.

## ۲. مفهوم حجاب و انواع آن

حجاب در لغت به معنی پرده است و در عرف در پرده بودن زن است از مرد بیگانه نامحرم، به طریقی که عادت و سیره بر آن جاری است [۱] همچنین گفته می شود کلمه «حجاب» در لغت عرب با فارسی فرق می کند، در فارسی به معنی ستر است ولی در عربی به این معنی هرگز نمی آید بلکه به معنی پرده بوده و حاجب به معنی پرده دار است [۲] با دقت در احکام فقهی و باید ها و نبایدهای اخلاقی به نکات برجسته و اخلاقی برمی خوریم که قابل بحث و بررسی است و آن دوری از جلب نظر دیگران است که در مسائل پیشگیری از جرم و کاهش جرایم اجتماعی نیز دارای اهمیت است برای مثال حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه اسلام می فرماید وَ أَكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا بدین معنی که زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند زیرا که سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری و اگر بتوانی به گونه ای زندگی کنی که غیر تو را نشانسد چنین کن [۳] در مورد زنان از آنجا که به لحاظ خلقت و طبیعت خود، از نظر جسمانی و رفتاری موجب جلب نظر نامحرم می شوند لازم و ضروری است تا زنان و دختران به گونه های مختلف اعم از گفتار، رفتار و ارتباطات با دیگران، رعایت حجاب را بنمایند.

علی رغم تصور بیشتر افراد که نوع حجاب را محدود در پوشش می کنند باید گفت دایره مصادیق حجاب عام است و موارد دیگری را نیز شامل می شود. یک نوع آن، حجاب گفتاری است در این معنا بایستی گفت ارتباط کلامی، به عنوان یکی از ابزار ارتباطات انسانی مطرح می شود زیرا پیام، احساسات و مراد افراد از طریق کلام انتقال می یابد. در قرآن کریم برای این شاخصه حجاب، محدوده ای مشخص شده آمده است که می فرماید يَنْسَاءُ الْنَّبِيُّ لَسُنً كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ أَتَقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا [۴] در آیه مورد بحث هم حکم بیان شده و هم علت حکم که به ترتیب عبارت است از دستور به ناز نکردن در سخن گفتن با دیگران که در نتیجه موجب طمع ورزی در بیمار دلان خواهد شد در واقع هم نوع گفتار و هم سنخ گفتار مورد توجه شرع قرار گرفته و زنان باید سخنان شایسته و حرف مناسب را با لحنی صحیح و بدون تحریک بیان کنند به همین دلیل روان شناسان معتقدند صدا یکی از محرکات برای تحریکات جنسی به شمار می آید و صدای زن در مرد بسیار تاثیرگذار است [۵] یکی از مظاهر سخن گفتن با نامحرم، شوخی و مزاح زن با مرد نامحرم است. در روایتی از معصومین علیهم السلام می خوانیم هر کس با زنی که متعلق به او نیست شوخی کند، آخرت در مقابل هر کلمه ای که با او گفته است، هزار سال در بند کشیده می شود [۶] طنین صدای زن، خود به خود برای مرد

فریبنده است چه رسد به اینکه همراه با شیرین زبانی باشد. سخنان نرم و نازک و دلربای زنان، در قلب هایی که زمینه جذب و گرایش به فساد دارند، موثر می افتد. برخورد زن، نحوه سلام کردن و به کار بردن الفاظ دلفریب، تاثیر بسیاری در انحراف مردان خواهد داشت از این رو برخورد زنان و دختران مسلمان با مردان نامحرم نباید با خضوع و تواضع همراه باشد [۷] پس یکی از وظایف بانوان، لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم است فلذا باید کیفیت صحبت و محتوای سخن، عفیفاً و خدایسندانه باشد و از هر گونه سخن غیر ضروری، بیهوده و گناه آلود اجتناب گردد؛ رعایت این امر موجب حفظ شخصیت و امنیت جسمی و جنسی نیز خواهد شد. نوع دیگر از مصادیق حجاب، توجه به نوع رفتار نامحرمان با یکدیگر است که از آن به حجاب رفتاری تعبیر می کنیم. در این خصوص در بخش پایانی از آیه ۳۱ سوره مبارکه نور خداوند متعال خطاب به زنان با ایمان می فرماید وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (آنکه پای خود را چنان بر زمین نکوبید تا آنچه از زینتتان نهفته است آشکار گردد) توضیح آنکه زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و برای اینکه به دیگران بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند از این رو آیه کریمه، از این کار نهی می کند در نتیجه هر چیزی مانند پوشش، آرایش و به طور کلی هر حرکتی که زن جوان از خویش نشان دهد و مقصودش جلب نظر مرد بیگانه باشد حرام است بنابراین شخصی که در اجتماع با پوشش نامناسب ظاهر می شود، عفت عمومی را به خطر می اندازد چون همه افراد جامعه از زمینه های مناسب اخلاقی به صورت کامل برخوردار نیستند و همانطور که یک ویروس بیماری را افراد دارای ضعف جسمانی را بسیار سریع تر از افراد سالم مبتلا می کند، بر این اساس معمولاً اشخاصی که از لحاظ معرفتی فاقد پایه فکری و اعتقادی لازم هستند، بسیار سریع تر به گناه مبتلا می شوند و به کسانی که عفت در پوشش را رعایت نمی کنند، بدون اندیشه عاقبت نگری نظر می افکند و پاکدامنی جامعه را به مخاطره می اندازند [۸] از انواع دیگر حجاب می توان به حجاب دیداری اشاره کرد. در این زمینه بخش اول آیه ۳۱ سوره مبارکه نور می فرماید به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این امر برای آنان پاکیزه تر است و به زنان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند. مطابق آیه ضرورت حفظ نگاه در برابر نامحرم از جمله اقدامات لازم برای جلوگیری از ارتکاب گناه دانسته شده است. واژه «یغضضن» یعنی کم کردن و مقصود این است که دیده های خود را که قلمرو آن وسیع و شامل نگاه های ضروری و خدایسندانه و همچنین نگاه های غیر ضروری و شهوت آلود نیز می باشد، کاهش داده و به نگاه های ضروری بسنده کنید. این یک اصل ضروری و ثابت شده است که مرد و زن بایستی بدان توجه داشته باشند چه اینکه عدم توجه سبب آسیب هایی خواهد شد که جبران آن سخت و دشوار به نظر می رسد به واقع عدم توجه به اینچنین قواعد و اصولی است که موجبات فروپاشی نظام خانواده و از بین رفتن روابط زناشویی و حتی مفاسد بزرگتر را فراهم می کند.

### ۳. آثار حجاب

در جهان هستی هر حرکت، پدیده و حکمی معلول علت است و برای هر مسئله می توان فلسفه، حکمت و علتی پیدا کرد چه اینکه هستی هدفمند است و از کوچکترین تا بزرگترین مخلوقات این کائنات بر اساس هدفی که برایشان تعیین می شود، به شکلی عقلانی، در جنبش و حرکت هستند. حجاب و پوشش به عنوان یک حکم الهی که از سوی شارع حکیم، تشریع شده است نیز دارای فلسفه ای می باشد و آثاری بر آن مترتب است. آثاری که توجه به آنها می تواند حل کننده بسیاری از مشکلات اجتماعی به خصوص موانع و مشکلات موجود در نظام خانواده باشد. در این معنا فواید بسیاری برای حجاب بیان شده که به برخی از آنها ذیل دو عنوان نتایج فردی و اجتماعی حجاب اشاره خواهیم کرد.

## ۳-۱. نتایج فردی

حجاب زمینه فساد را که عامل اصلی بیماریهای مقاربتی است از بین می برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می نماید. بیماری ایدز که مهلک ترین بیماری عصر حاضر می باشد، از فساد و روابط جنسی ناسالم سرچشمه می گیرد. در این بیماری سیستم دفاعی بدن از کار افتاده و بدن در برخورد با ضعیف ترین میکروبها توانایی دفاع را از دست می دهد و می بایست تسلیم مرگ گردد. در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی گردد، افزایش روز افزون بیماری های روانی به خوبی مشهود است. آمار وحشتناک خودکشی در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی در غرب است بنابراین به نمایش گذاشتن اندام یا زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت یک بیماری روانی است بلکه بیماری زا بوده و امراض روانی در دیگران نیز ایجاد خواهد نمود [۹] اگر خدای متعال برای جلوگیری از فساد بی حجابی، صریحاً در قرآن کریم زنان مومن را به داشتن حجاب امر فرموده تنها برای جلوگیری از فساد جامعه نبوده بلکه هدف اصلی سلامت روح است. اگرچه حجاب در ظاهر به محدودیت زن تعبیر می شود اما روح واقعی آن، حکایت از محدود کردن کامیابی ها به محیط خانوادگی و همسران مشروع و همچنین سلامت جامعه و مصون ماندن از لجن زار مفاسد اجتماعی است تا زمینه برای کمال اخلاقی آماده گردد. به طور مشخص زیر بنای یک جامعه را زنان تشکیل می دهند زیرا آنها محور اصلی سلامت و ثبات اخلاقی و روانی جامعه هستند. اگر جامعه از زیر بنای مستحکمی برخوردار نباشد، پس از مدتی کوتاه دچار تزلزل شده طوری که احتمال نابودی آن بیشتر خواهد بود. شناخت مفهوم حجاب و رعایت آن نه تنها احساس محدودیت را برای زنان ایجاد نمی کند بلکه ضامن آزادی و حفظ مقام زن مسلمان نیز خواهد بود. این امر کاملاً بدیهی است که زنان جامعه ایرانی با کمی تفکر بدان خواهند رسید که اگر دامنه فساد در ایران گسترده نیست و آمار فرزندان نامشروع و خشونت علیه زنان و بیماری های ناشی از فساد و روابط غیر اخلاقی نسبت به کشور های غربی در حداقل قرار دارد، به دلیل پایبندی به عفاف و تقوا در این جامعه بوده است.

همه می دانیم که نفس آدمی دریایی از تمایلات و خواسته های اوست که مهمترین آنها امور جنسی است. ادامه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان دامن می زند و آنها را به یک کانون جدی خطر تبدیل می کند که نتیجه آن، سلب امنیت و آرامش زن خواهد بود. آنچه می تواند از این نا امنی جلوگیری کند، پوشیدگی زن در اجتماع خواهد بود. عده ای گمان می کنند حجاب مانع آزادی و فعالیت های زنان در جامعه است. تصور غربی ها از آزادی، نبودن قید و بند برای رسیدن به مال و مقام و شهوات انسانی است ولی در نگرش اسلام، آزادی واژه ای مقدس و دارای اصالت است که عقیده و اندیشه آزاد در راس آن قرار می گیرد. حجاب نه تنها محدود کننده آزادی نیست بلکه وسیله ای است برای اینکه فرد در جامعه حضوری سالم داشته باشد. حجاب در اسلام وظیفه ای است بر عهده زن که در معاشرت با مرد، باید کیفیت خاصی را مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود [۱۰] تجربه ثابت کرده است زنانی که با پوشش مقبول در جامعه حاضر می شوند، در انجام فعالیت های خود آزادترند چه اینکه مردان اطمینان دارند اینها، به عنوان طعمه گزینه مناسبی نیستند در مقابل آندسته از زنانی که از پوششی سبک تر بهره مند هستند، آزادی کمتری دارند زیرا

در معرض دید هستند و در نتیجه مورد طمع قرار می گیرند بنابراین بی حجابی یا بدحجابی عاملی است برای ایجاد مزاحمت که مفاسد دیگر از جمله محدودیت آزادی را نیز در بر خواهد داشت.

زن از نظر حقوق و شخصیت انسانی، با مرد یکسان است و حرمت و کرامت او به این است که به عنوان یک انسان شرافتمند به او نگریسته می شود نه به عنوان یک وسیله جنسی. آندسته از زنانی که به طور برهنه یا بدحجاب در جامعه ظاهر می شوند، در حقیقت هویت خود را فراموش کرده و به انحراف افتاده اند البته لازم به ذکر است حضور در اجتماع با پوشش نامناسب به معنای آگاهی از رفتار صورت گرفته توسط افراد نیست بلکه در بسیاری از موارد، شخص به دلیل عدم شناخت کافی نسبت به مقوله حجاب، با پوششی زننده در اجتماع حضور پیدا می کند بنابراین وجود پوشش نامناسب در زنان یا دختران جامعه ایرانی، به معنای آگاهی آنان از نحوه پوشش نیست بلکه در موارد بسیار بواسطه جهل و نبود آگاهی در کسب مهارت اجتماعی است که با این پدیده رو به رو می شویم بنابراین به صرف داشتن پوشش نامناسب نمی توان به دیگران برچسب ابتذال و رفتار غیر اخلاقی زد. در هر صورت ابتذال زن و سقوط شخصیت او را نباید با دیده سطحی نگریست. خسارت و تاوانی که بشر از این راه می دهد، ده ها برابر بیشتر از پیامدهای شوم مواد مخدر است از این رو در جامعه ای که بر اثر نبود قانون حجاب، شخصیت زن تا سر حد یک عروسک سقوط کند، ارزشهای معنوی او به کلی فراموش می گردد. یافتن هویت حقیقی در چنین جامعه ای بسیار دشوار و شاید غیر ممکن باشد. هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد طبیعی است روز به روز، تقاضای آرایش بیشتر شده و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسی اش، وسیله تبلیغ کالاها و عاملی برای جذب جهان گردان قرار بدهند، شخصیت زن در حد یک کالای بی ارزش سقوط خواهد کرد طوری که ارزشهای والای انسانی او به دست فراموشی سپرده می شود و تنها افتخار او نیز جوانی و زیبایی اش خواهد بود بنابراین مواردی مانند سلامت جسمانی و روانی، سلامت روح، آرامش خاطر، احساس آزادی، افزایش احساس خود ارزشمندی از جمله آثار فردی حجاب است که توجه به آن و سعی در تحقق این آثار، سبب شکل گیری هویت حقیقی زنانه در اشخاص خواهد شد.

تحقق هویت اصیل زنانه، بر نشاط و تلاش زن می افزاید طوری که محیط خانه را نیز گرم تر خواهد کرد؛ در حقیقت آرامش خانوادگی و تحقق آن وابسته به شکل گیری نقش هویتی در زن و برقراری آرامش در محیط خانه است به همین علت به مردان توصیه می شود تا در برخورد با همسر از طریق ایجاد حس ارزشمندی در وجودش، به تکامل هویت و شخصیت زنانه او کمک کنند.

### ۳-۲. نتایج اجتماعی

پاره ای از فلسفه های فردی حجاب با فلسفه های اجتماعی آن یکسان است و نمی توان به عنوان فلسفه اجتماعی خاص از آن یاد کرد و این به علت تاثیر متقابل فرد و جامعه از یکدیگر است چرا که جامعه از مجموعه افراد شکل می گیرد و بسیاری از هنجارهای اجتماعی با ارزشهای مبتنی بر مصلحت افراد هماهنگ است اما به دلیل اهمیت اجتماع به مواردی از فواید اجتماعی حجاب اشاره می کنیم.

حفظ عفاف اجتماعی به عفاف زن بستگی دارد در واقع آنهایی که می خواهند برای رسیدن به مقاصد سوء خود، بی بند و باری را در جامعه رواج دهند، از زن به عنوان یک کالا و ملعبه در این راستا استفاده می کنند. کافی است برای به فساد کشیدن یک جامعه تعدادی از زنان فاسد در بین آنها راه پیدا کنند؛ آنچنان زشتی ها و آلودگی های اخلاقی را بین مردم رواج می دهند که بعد از مدت کوتاهی برای مردم عادی جلوه می کند. ممکن است یک زن با پوشش نامناسب، دچار ابتذال اخلاقی نباشد اما نوع پوشش وی، زمینه و مقدمه ای است برای رواج بی بند و

باری در اجتماع که بنیان های نظام خانواده از جمله روابط زناشویی را تهدید خواهد کرد به همین جهت زن برای آنکه در بعد اجتماعی و خدماتی، حد اعلای توفیق را به دست آورد ناگزیر به رعایت ملزومات این امر از جمله حجاب است.

از دیگر آثار حجاب، بی بند و باری و روابط نامشروع در ابعاد وسیع اجتماعی است. این موضوع در دنیای غرب به وضوح قابل مشاهده است طوری که آثار شوم آن بر کسی پوشیده نیست. یکی از آن آثار آلوده شدن نسل و به دنبال آن تولید فرزندان نامشروع و در نتیجه سقط جنین است. از جمله مشکلات بزرگ اجتماعی، وجود فرزندان نامشروع و بی سرپرست است که اصل خلقتشان بر اساس انحراف پایه گذاری شده و بر اثر وجود زمینه نامساعد معنوی در آنها، خطرانی که این گروه را تهدید می کند، بسیار قابل تامل و جدی است چه اینکه اینان میوه گناه محسوب می شوند از این جهت است که می گوئیم حجاب اسلامی نقش اساسی در حفظ نسل و تامین پاکی دارد چرا که زن مربی جامعه است و انسان ها از دامن او موجود می شوند بر این اساس اگر زن، دامن خود را در پناه پوشش مناسب حفظ نماید، سعادت انسانهای آینده را پایه ریزی و بیمه نموده است [۱۱]

اثر اجتماعی دیگر، جلوگیری از توسعه فساد و فحشاء در جامعه است توضیح آنکه حضور تحریک آمیز زنان در صحنه اجتماع از یک سو، باعث ایجاد روحیه شهوانی در مردان و در نتیجه افزایش درصد دوستی با جنس مخالف و روابط نامشروع می شود به گونه ای که علاقه افراد به همسر قانونی نیز کاهش می یابد و از سوی دیگر، به علت آنکه نوعاً همسران آنان از این روابط نابخردانه بیزارند و محبوبیت خود را نیز نزد شوهران در معرض خطر می بینند، از زندگی مشترک سرد شده و در نتیجه پایه و رکن زندگی شیرین که محبت و دوستی است متزلزل می گردد مخصوصاً اگر این بی اعتمادی و دلسردی و ضعیف شدن شعله های محبت، دو سویه باشد، نهایت کار طلاق و جدایی خواهد بود افزون بر آنکه با رواج روابط دوستانه نامشروع، عده ای از مردان مورد سوء ظن همسران خود قرار گرفته و متهم به روابط نامشروع می شوند [۱۲]

لازم به ذکر است بسیاری از دختران و پسران، به دلیل ندانستن احکام شرعی، اقدام به برقراری ارتباط با یکدیگر می کنند حال آنکه در روایات و متون دینی وعده عذاب به این افراد داده شده است البته در شرایط کنونی جامعه، تصور این مطلب که افراد از زشتی و نادرست بودن دوستی های غیر شرعی بی اطلاع باشند بعید است حداقل در خصوص قشر مذهبی می توان با اطمینان گفت افراد دارای علم لازم در این خصوص هستند.

رعایت حجاب از زمینه هایی است که می تواند منجر به آرامش روانی زن و مرد، کم شدن گناه و بالا رفتن توانمندی اجتماعی شود به تعبیر دیگر، آرامش روانی می تواند استهلاک قوا در محیط اجتماعی را کاهش دهد. در اینجا نقش قوانین محدودکننده دین در موضوع پوشش، شبیه به نقش قوانین محدودکننده در میادین ورزشی است که با ایجاد محدودیت در اعمال رفتارهای غیر ورزشی و در نظر گرفتن جریمه خطا، کارت زرد و کارت قرمز، سعی می کند تا استعداد بازیکنان را به سمت انجام رفتار ورزشکارانه متمرکز کند [۱۳] هر گاه پوششی برای زنان نباشد و آنها با جلوه گری آشکار گردند، به طور طبیعی مردان به خصوص جوانان در یک حالت تجربه دائم قرار می گیرند و همین امر، موجب هیجانهایی عصبی و اضطراب در اعصاب خواهد شد.

نکته مهم آنکه حجابی که اسلام تعیین کرده است، مجوز حضور زن در جامعه با حفظ کرامت و ارزشهای انسانی اوست. اگر اسلام در نظر داشت زن در جامعه حضور نداشته باشد، نیازی به حجاب و تعیین حدود آن نبود. اسلام نمی گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعدادهای او را گرفت. مبنای حجاب در اسلام این است که التذاذ جنسی باید به محیط خانوادگی و همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، محیطی خالص برای تنها کار و فعالیت باشد به همین جهت به زن اجازه نمی دهد وقتی از محیط امن خانه خارج می شود، موجبات تحریک مردان را فراهم کند همچنین به مرد هم اجازه نمی دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی کند بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می باشد [۱۴] از این منظر حضور



زن در اجتماع نه تنها مانعی جهت فعالیت اجتماعی ایجاد نخواهد کرد بلکه از دیدگاه روانشناسی، سبب ایجاد حس رقابت میان زن و مرد نیز خواهد شد.

#### ۴. حجاب و قانونگذاری کیفری

قانونگذار کیفری همواره به دنبال آن است تا از ارتکاب جرایم در جامعه جلوگیری کند از این رو تلاش می کند تا با وضع پاره ای قوانین کیفری و پیشگیرانه، از وقوع جرایم ممانعت کند. حجاب از جمله موضوعاتی است که به عنوان یک مصداق مهم در جرم انگاری می تواند مطرح شده تا بدین طریق از مفاسد بزرگ و کوچک اجتماعی جلوگیری نماید از این رو مشروعیت حجاب به عنوان یک قانون الزامی، زمانی قابلیت پذیرش عرفی را خواهد داشت که علاوه بر مبانی شرعی، در بردارنده آثاری همچون آثار فردی و اجتماعی نیز باشد در حقیقت زمانی یک جامعه فارغ از توجه به رویکرد دینی خود، حجاب را به عنوان یک پدیده اجتماعی می پذیرد که به فواید آن پی برده و آن را محدودیتی برای خود نداند. توجه به مبانی مربوط به آثار فردی و اجتماعی خود دلیلی است برای وضع قوانین کیفری در زمینه پوشش و رعایت حجاب که قانونگذار کیفری نیز بدان توجه داشته به همین دلیل می توان گفت حجاب وابسته به اسلام نبوده بلکه جامعه جهانی باید بداند حجاب امری است اجتماعی که فرصت ویژه ای برای زنان جهت حضور در عرصه های مختلف با حفظ امنیت فردی و اجتماعی ایجاد می کند بنابراین با توجه به آثار فردی و اجتماعی حجاب می توان به جای استفاده از عنوان «حجاب اسلامی» از عنوانی چون «پوشش و حجاب جهانی» صحبت کنیم. بر همین اساس است که معتقدیم جامعه جهانی می بایست بدون در نظر گرفتن نوع حاکمیت دینی خود، به حجاب به عنوان یک پدیده اجتماعی مفید بنگرد. اثر این نوع نگاه در قانونگذاری مشخص خواهد شد از این رو باید دید آیا قانونی در خصوص حجاب وجود دارد یا نه؟

در خصوص اینکه قانون حجاب در کشور وجود دارد یا نه و کیفیت آن چگونه است لازم است تا به پیشینه تاریخی وضع قانون در این زمینه که بعد از انقلاب اسلامی انجام شده اشاره نماییم.

بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰ در موضوع اعمال خلاف اخلاق عمومی به عدم رعایت حجاب اشاره نموده است. این قانون که ناظر به رعایت حجاب علی الخصوص در محیط های کاری و ادارات دولتی بود، رعایت مقدرات اسلامی و ظواهر شرعی از جمله حجاب را الزامی دانسته و از این جهت عدم رعایت مفاد قانون فوق از جمله عدم رعایت حجاب را به عنوان جرمی برخلاف اخلاق عمومی قابل پیگیری می دانست. پس از آن در سال ۶۲ و با تصویب قانون تعزیرات، ماده ۱۰۲ این قانون و تبصره آن به کیفیت پوشش اسلامی توجه کرده بدین شرح که «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد. تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد»

از جمله قوانین دیگر که در دهه ۶۰ انقلاب اسلامی در موضوع حجاب و پوشش به تصویب رسیده است می توان از قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می کند مصوب ۱۳۶۵ نام برد. طولانی بودن عبارت خود قانون و اشاره به کلماتی چون عفت عمومی یا فروش لباس، خود حکایت از آن دارد که مقنن در وضع قانون به مسئله حجاب و پوشش توجه ویژه ای داشته و مبنای اصلی در وضع قانون را همین امر قرار داده است. در ماده ۴ قانون اخیر الذکر



می خوانیم «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازاتهای مذکور در ماده ۲ محکوم می گردند.» ماده ۲ نیز به مجازاتهایی چون تذکر و ارشاد، توبیخ و سرزنش، تهدید و یا تعطیلی محل کسب و پیشه اشاره کرده است. همچنین وجود برخی شرایط را به عنوان عامل مشدده در تعیین مجازات مدنظر قرار داده و از این جهت ذیل تبصره ۲ همین ماده به مجازاتهایی چون انفصال موقت تا دو سال و یا اخراج و انفصال از خدمات دولتی برای کسانی که کارمند دولت هستند اشاره شده است. تفاوت این قانون با قوانین قبلی، در آن بود که اشخاصی که به عنوان فروشنده یا تولید کننده اقدام به فروش یا تولید البسه با محتوای غیر شرعی می کردند نیز مجرم شناخته شده و مجازات می شدند در حالیکه در قوانین قبل تر، صرفاً مصرف کنندگان که با پوشش نامناسب در انظار عمومی و یا ادارات دولتی ظاهر می شدند، مورد مجازات قانونی قرار می گرفتند. ماده ۱ قانون محل بحث در همین زمینه اشعار می دارد «کسانی که عالماً لباسها و نشانههایی که علامت مشخصه گروههای ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا درملاء عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند مجرم شناخته می شوند و البسه و اشیاء مذکور در حکم قاچاق محسوب می شود»

قانون دیگر در این زمینه از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل توجه است که تحت عنوان راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف در سال ۱۳۸۴ به تصویب این شورا رسیده و در قالب ۴۷ بند به بیان راهکارهای افزایش میزان عفاف و حجاب در جامعه پرداخته است. مسائلی چون تبیین آموزه های دینی در خصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت، تقویت بنیه اخلاقی و اعتقادی مربیان جامعه خصوصاً والدین، تبیین دیدگاه اسلام در خصوص حجاب، اهتمام خانواده به مسائل عاطفی در این نهاد مقدس از جمله ی مواردی است در این قانون که مورد توجه جدی قرار گرفته است.

قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به عنوان یکی از قوانین مهم در زمینه جرم انگاری موضوع حجاب نیز قابل بررسی است چه اینکه آخرین قانونی که در این حیطه قانونگذاری شده است می باشد. ماده ۶۳۸ قانون اشعار می دارد «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم میگردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» ماده ۶۳۸ بی شباهت به ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات ۶۲ نیست و در حقیقت باید گفت عیناً همان ماده است با این تفاوت که در بیان مجازات، آنچه در قانون تعزیرات ۶۲ مشاهده می شود صرفاً مجازات ۷۴ ضربه شلاق است حال آنکه در ماده ۶۳۸ تعزیرات ۷۵، مجازات حبس نیز اضافه شده است. تبصره ماده ۶۳۸ نیز عیناً تکرار تبصره ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات ۶۲ است البته با همان تفاوت در نوع مجازات بدین شکل که قانونگذار بیان می دارد «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» مطابق تبصره اخیر، مجازات زنانی که بدون حجاب شرعی در انظار عمومی ظاهر می شوند حبس و یا جزای نقدی است این در حالی است که قانون سابق به مجازات تعزیری تا ۷۴ ضربه شلاق اشاره کرده بود.

علاوه بر قوانین فوق که مورد اشاره قرار گرفت، در پاره ای از قوانین دیگر نیز قانونگذار به مسئله حجاب و اهمیت آن پرداخته است برای مثال بند ۱۲ ماده ۷ از فصل دوم قانون مقررات انتظامی هیات علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ اینچنین اشعار می دارد که «ارتکاب اعمال خلاف شرع و عدم رعایت حجاب اسلامی» به عنوان یکی از تخلفات و جرایم مورد نظر قرار گرفته و تخلف از این بند سبب برخورد قانونی است. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز، ذیل ماده ۲ اینچنین مقرر می دارد «نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند آزادند» که در ادامه

و در بیان موارد محدودیت مطبوعات به بندهایی اشاره می کند که برخی از آنها عبارت است از: «اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی» (بند ۲) استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی (بند ۵)» همچنین قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ در بیان تخلفات اداری به مسئله حجاب اشاره کرده و مقرر میدارد «تخلفات اداری از این قرار است: ۱. اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری ۲. نقض قوانین و مقررات مربوط ۳. ایجاد ناراضی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل... ۲۰. رعایت نکردن حجاب اسلامی ۲۱. رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی»

ملاحظه می شود که بر اساس قوانین مختلف که بعد از انقلاب اسلامی تاسیس شده است، حجاب به عنوان امری ضروری مورد پذیرش واقع شده و قانونگذار نیز رعایت آن را در مواردی الزامی و ضروری دانسته است از جمله آن است مکان هایی که مورد رفت و آمد عموم بوده و عرفاً حریم شخصی فرد به حساب نمی آید چه اینکه اگرچه قانون اسلامی حجاب را امری ضروری می داند اما اینطور نیست که در همه جا وجود آن را واجب بدانند بر این اساس اماکنی همچون خانه از این قاعده مستثنی خواهد بود در مقابل در صورت وقوع بی حجابی در یک خیابان یا مجلسی عمومی، ضرورت ایجاب می کند که برخورد لازم برای از بین بردن عمل حرام و جلوگیری از جرم صورت گیرد به همین دلیل است که مامورین نیروی انتظامی مطابق قوانین موضوعه همچون قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ مجوز لازم جهت برخورد با زمینه های بی حجابی یا بد حجابی را خواهند داشت.

آنچه در قوانین مشهود است، تلقی نمودن حجاب به عنوان یک جرم یا تخلف انضباطی است در حقیقت در پاره ای از قوانین مانند قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ از حجاب به عنوان یک تخلف اداری نام برده است حال آنکه در برخی از قوانین از جمله قانون تعزیرات ۱۳۷۵ از حجاب و عدم رعایت آن به عنوان یک جرم دارای مجازات تعزیری سخن به میان آمده است. نسبت میان تخلف انضباطی و جرم کیفری، عموم و خصوص من وجه است یعنی ممکن است یک رفتار واجد دو حیثیت کیفری و انضباطی باشد به طور مثال اخذ رشو توسط کارمند دولت که هم دارای جنبه کیفری است و هم برخلاف نظامات اداری و تعهدات اداری و اخلاقی کارمند در سازمان و تشکیلاتی است که در آن خدمت می کند همچنین از حیث مجازات هم در تخلف انضباطی دادگاه به دنبال هدف حفظ حیثیت صنف خاص است و به دنبال اهداف مجازات ها نیست [۱۵]

با توجه به ارتباط میان تخلف انضباطی با مفهوم جرم باید گفت مفهوم حجاب از جمله عناوینی است که شامل هر دو عنوان می شود از این رو هم به عنوان یک تخلف و هم به عنوان یک جرم کیفری قابل پیگیری است. ملاحظه می گردد که نوع پوشش زنان جامعه ایرانی و به طور کلی هر آن کس که در جمهوری اسلامی ایران تحت لوای حاکمیت اسلام زندگی می کند ذیل عنوان حجاب به عنوان مفهومی جزایی به رسمیت شناخته شده است و قانونگذار عدم رعایت پوشش مناسب را به عنوان یک جرم قابل مجازات می داند. لازم به ذکر است جزایی تلقی کردن مفهوم حجاب بدان معنا نخواهد بود که از سایر ابزارهای لازم که در نظام قانونگذاری کیفری قرار ندارند استفاده نکنیم بلکه ضرورت استفاده از ابزارهای فرهنگی نیز در کنار قوانین کیفری برای شکل گیری مفهوم اسلامی حجاب ضروری است به همین دلیل استفاده از سیاست های مشارکتی یا پیشگیری مشارکتی با محوریت حضور اجتماع به عنوان نهاد هشدار دهنده، جهت دست یافتن به هدف مذکور به عنوان یک ابزار فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد.

## ۵. حجاب و سیاست فرهنگی-اجتماعی مشارکتی با محوریت نقش مردم

منظور از سیاست مشارکتی برای کاهش جرم آن است که حاکمیت از نیروی مردمی برای کاهش پدیده های مجرمانه از جمله پدیده اجتماعی بی حجابی استفاده نماید توضیح آنکه وجود قوانین مختلف کیفری برای جلوگیری از اعمال حرام در جامعه امری لازم و ضروری است اما کافی نیست به تعبیر دیگر در کنار ابزار قانونی برای دستیابی به اهداف گوناگون، ضرورت استفاده از ابزارهای دیگر از جمله ابزار فرهنگی نیز لازم و ضروری است در حقیقت اینکه صرفاً بتوان جامعه را با ابزارهای قانون مدار یا کیفرگرا کنترل نمود امری محل تامل است به همین علت در کنار ضرورت وجود نهادهای قانونی برای کنترل اجتماع و جلوگیری از ارتکاب جرایم می بایست از بسترهای فرهنگی مناسب نیز در این زمینه استفاده نمود. از جمله این موارد، مداخله مستقیم یا غیر مستقیم مردمی جهت جلوگیری از ارتکاب جرم است توضیح آنکه اگر حجاب به عنوان یک مفهوم جزایی قابل تصور باشد پس می توان با اقدامات گوناگون فرهنگی زمینه ارتکاب آن را در جامعه کاهش داد تا جاییکه نیازی به ابزار قانونی و مجازات افراد نباشد علاوه بر آنکه در موضوعی چون حجاب اعتقاد بر آن است که توسل به ابزار قانونی با محوریت مجازات مرتکب در اکثر موارد، نتیجه معکوس خواهد بود و چه بسا سبب دوری مجرم از مبانی دینی نیز بشود بنابراین مهمترین اقدام برای از بین بردن بی حجابی در جامعه، در مرحله اول رویکرد فرهنگی اجتماعی و در مرحله دوم و به شرط عدم تاثیر مرحله قبل، اقدام قانونی است بر این اساس حضور نیروی پلیس در صحنه اجتماع با هدف تذکر قانونی نسبت به پدیده بی حجابی، باید به عنوان امری ثانویه و نه امری ابتدایی مورد اهتمام باشد بر این اساس می توان گفت وظیفه اولیه متوجه افرادی غیر از نیروی پلیس یا مامور انتظامی است همچنین در صورت عدم موفقیت اجتماعی است که نوبت به اعمال ضوابط قانونی می رسد؛ از این رو اعتقاد بر آن است که نقش عوامل فرهنگی در کاهش جرایمی چون بی حجابی یا بدحجابی می بایست به عنوان امری مهم که زمینه ساز ایجاد جامعه سالم است، مورد توجه قرار گیرد. عوامل فرهنگی در کاهش یا افزایش جرایم از چنان اهمیتی برخوردارند که گفته می شود فرهنگ حاکم بر هر جامعه، مرکب از مولفه هایی است که در پدیده بزهکاری اعم از کمیت و کیفیت آن نقش به سزایی دارند. در مورد مولفه های فرهنگ اتفاق نظر وجود ندارد ولی از جمله مهمترین مولفه های آن، می توان به آداب و رسوم، اعتقادات دینی و الگوهای زندگی اجتماعی اشاره نمود. فرهنگ ممکن است در پاره ای از موارد به صورت مستقیم عامل ارتکاب بزهکاری قلمداد شود و یا شرایط و زمینه ارتکاب برخی از جرایم را فراهم سازد. متقابلاً فرهنگ می تواند نقش مثبت در جامعه داشته باشد و مولفه های مختلف آن موجب پیشگیری از جرم گردد و آنچه مسلم است تفاوت فرهنگ ها در بین ملل، کشورها و حتی شهرهای یک کشور موجب تفاوت فاحش میان آمار و الگوهای بزهکاری می گردد [۱۶] از این رو توجه به ابزار فرهنگی و اجتماعی برای کاهش پدیده بی حجابی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

همانطور که پیشتر اشاره شد، حضور گستره مردم در اجتماع و استفاده از این ظرفیت عظیم برای دفع جرایم بسیار دارای اهمیت است بر این اساس با ایجاد آگاهی عمومی در جامعه ایرانی می توان از نیروی اجتماعی به عنوان ابزاری برای کنترل استفاده کرد مطابق این رویکرد، اجتماع خودش اقدام به کنترل خود می کند. در این معنا حضور نهاد قانونی یا قوه قهریه برای جلوگیری از ارتکاب جرم مشاهده نمی شود بلکه آنچه در عرصه اجتماعی به وقوع می پیوندد، خواست و اراده جمعی جهت جلوگیری از ارتکاب جرم است بر این اساس با استفاده از مشارکت مردمی بدون آنکه اکراه و اجباری در کار باشد، جامعه هدف پیشگیری از جرایم را دنبال می کند.

لازم به ذکر است اگرچه در جامعه دینی، نگاه اجتماعی نیز می بایست با محوریت دین همراه باشد و فرض بر آن است که افراد جامعه، سواد و آگاهی لازم برای ترویج اسلام در اجتماع را دارند اما در بسیاری از موارد، ضرورت ایجاد احزاب یا گروههای تخصصی برای موضوعاتی چون نحوه ترویج حجاب با عمل به اصول اساسی اسلامی از

جمله اصل امر به معروف و نهی از منکر و شرایط آن ضروری و غیر قابل انکار است به همین دلیل اگر چه اعتقاد بر آن است که جامعه نقش مهمی در کاهش پدیده اجتماعی بی حجابی دارد اما از طرفی این اعتقاد نیز وجود دارد که باید سواد و آگاهی فرهنگی و دینی در برخی زمینه ها از جمله ترویج حجاب وجود داشته باشد. البته لزوم وجود آگاهی در اجتماع برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و جلوگیری از شیوع بی حجابی، موجب نخواهد شد که بگوییم افراد نا آگاه، شایستگی دفع این پدیده شوم را ندارند بلکه هر کس به قدر توان و شایستگی می تواند، به عنوان جزئی از اجتماع از ارتکاب آن جلوگیری نماید. از جمله مهمترین ابزاری که در این زمینه می توان بدان اشاره کرد، دفع بی حجابی با تذکر لسانی است. مورد اخیر از مواردی است که عموم اجتماع می توانند بدان متوسل شوند چرا که حتی نیاز به مجوز قانونی نیز ندارد بر همین مبنا در پرسشی از آیت الله مکارم شیرازی حفظه الله پیرامون تذکر لسانی اینچنین آمده است که آیا امر به معروف لسانی احتیاج به حکم یا اجازه قانونی مراجع ذی صلاح دارد؟ و معظم له در پاسخ چنین مرقوم کرده اند که در آن جایی که جنبه زبانی داشته باشد احتیاج به اجازه نیست و اگر اقدام عملی در آن باشد اجازه حاکم شرع یا مسئولان حکومت اسلامی لازم است [۱۷] از همین پاسخ استنباط می گردد که اولاً تذکر لسانی، وظیفه ای همگانی است و همگان می توانند با رعایت شرایط لازم، اقدام به تذکر نمایند ثانیاً توسل به اجبار و یا اقدام عملی در برخورد با ارتکاب محرمات الهی از جمله بی حجابی موضوع تبصره ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۷۵ از وظایف حکومت اسلامی است که وفق مقررات باید بدان عمل شود از این رو آنچه وظیفه جامعه مسلمان برای مقابله با پدیده بی حجابی است، رفتار فرهنگی اجتماعی مانند تذکر لسانی و مواردی از این قبیل است بر این اساس توسل به قوه قهریه و اعمال آن برای کاهش جرم بی حجابی نه تنها زشت و فاسد است که جرمی مستقل نیز می باشد برای مثال درگیری فیزیکی و ایراد ضرب و جرح برای دفع بی حجابی توسط اشخاص عادی از مصادیق ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۷۵ و کتاب سوم و چهارم قانون مجازات اسلامی ۹۲ تحت عناوین قصاص و دیات می باشد. به همین دلیل لزوم وجود آگاهی و سواد فرهنگی اجتماعی برای جلوگیری هوشمندانه از ارتکاب پدیده مجرمانه ای چون بی حجابی همواره مورد تاکید است.

نتیجه آنکه تشویق به حضور نیروی وسیع مردمی برای دفع جرایم و تخلفات، امری مهم و ضروری تلقی می شود که انجام صحیح آن، سبب شکل گیری یک نوع سیاست مشارکتی خوب برای پیشگیری از جرایم منجر خواهد شد به گونه ای که عاملان پدیده بی حجابی یا بد حجابی به حداقل خود برسند از این منظر باید گفت پیشگیری، تدابیر و اقدامات جمعی و غیر کیفری به منظور مقابله، کنترل و کاهش وقوع جرم به صورت کنشی است بنابراین در این وادی قابلیت هیات اجتماع مهم و مفید می نماید زیرا رویکردهای مدنی و غیر کیفری غالباً در عناصر اجتماع مسلم و بدیهی تر است هیات اجتماع متشکل از جامعه مدنی و نهادهای دولتی در تعامل و رویارویی با هم، وظایف تقسیم شده ای را در سطح جامعه ایفا می کنند به گونه ای که توسل به اجتماع و همیاری بین عناصر جامعه یکی از اهداف و پایه های مسلم علم پیشگیری است [۱۸] به همین علت، توجه هیات اجتماع و سازمان های مردمی به عنوان نیروهای اثرگذار اجتماعی در فرایند جلوگیری از ارتکاب جرایم به مثابه یک اصل می بایست مورد نظر باشد چرا که اگر در یک جامعه فاسد (و بلکه حتی غیر فاسد) پیشگیری صورت نگیرد، باز جامعه رو به فساد خواهد رفت، چون مواد و عوامل فساد از قبیل شهوات جنسی همیشه در درون تمام افراد جامعه و انسانها موجود است، و مرتب در باطن روحیه ها کار می کند، الهام می دهد، و حتی از اندک چیزی اعم از بو، رنگ، حرکت و تصوّر چیزی الهام می گیرد، و شیطان نیز که محرک اصلی در به فساد و تباهی کشیدن جوامع انسانی است همیشه در جامعه هست، لذا حتی همان جامعه شایسته نیز اگر پیشگیری نباشد، تدریجاً رو به فساد خواهد رفت [۱۹] از این رو بر جامعه اسلامی خصوصاً هیات های مردمی فرض است تا با مشارکت خود در صحنه اجتماع از وقوع جرایم بر ضد عفت و اخلاق عمومی جلوگیری نمایند.

توجه به این نکته ضروری است که مشارکت اجتماعی مانعی جهت پیشگیری از جرم در محیط خانواده ایجاد نخواهد کرد از این رو بایستی گفت مرد نیز در قبال خانواده و همسر خویش، مکلف به هدایت الهی است به تعبیر دقیق تر، خانواده به عنوان کوچکترین عضو اجتماع نیز، بخشی از سیاست مشارکتی مردمی محسوب می شود بنابراین در صورت عدم رعایت حجاب از ناحیه اطرافیان علی الخصوص همسر، مرد باید از طریق منطق و عقل او را قانع سازد و کتاب‌هایی که درباره سازندگی حجاب نوشته‌اند در اختیار او بگذارد و ضررهای اخلاقی و اجتماعی بی حجابی را تشریح کند [۲۰] مطابق این دیدگاه، اعمال خشونت یا ایجاد قوانین سخت گیرانه در محیط خانواده برای برخورد با پدیده بی حجابی مورد نهی می باشد چه اینکه اثر مخرب اقدامات شدید برای مقابله با بی حجابی همچون برخی اقدامات قانونی صرف، به مراتب خطرناک تر و بزرگتر خواهد بود مثل آنکه والدین با تنبیه بدنی، به دنبال اطاعت بی چون و چرای فرزندان برای پذیرش پوشش مد نظر خود باشند از این رو آنچه که خواسته اسلام است، استفاده از ابزار عقل و منطق در راستای بهره گیری از ابزارهای فرهنگی است تا از این طریق بتوان با تاثیرگذاری در محیط خانواده و همچنین اجتماع، از ارتکاب جرم جلوگیری نمود. در این نگاه، برقراری رابطه عاطفی خوب میان زن و مرد با یکدیگر و والدین با فرزندان بسیار کمک کننده خواهد بود. این رویکرد ما را به آنجا می رساند که بگوییم مرد نه تنها موظف به هدایت عشیره است بلکه در خانواده‌هایی که حجاب مورد پذیرش افراد آن خانواده قرار می گیرد بر مرد جایز نیست که زن را اجبار به بی حجابی و خلاف شرع بنماید و بر زن هم واجب نیست اطاعت شوهر در معصیت خدا بنماید بطور کلی مرد باید از داشتن چنین همسری با عفت و نجابت شکر خداوند متعال را به جا آورد این گونه زنان مؤمنه و ملتزم به تعالیم اسلام باید مورد تقدیر باشند و شهادت آنها در این موقع که بسیاری از مردها و زنها در برابر هجوم کالاهای فساد اجانب، خود باخته شده و حقارت و کمبودهائی را که در خود احساس می کنند به دارویی که بر درد می افزاید و شدت می دهد جبران می کنند غیر قابل وصف می باشد [۲۱] از این رو سخن از ایجاد سیاست های تشویقی جهت ترویج حجاب نیز دارای اهمیت خواهد بود.

## ۶. حجاب و کاهش جرم

آنچه در سیاست مشارکتی مبتنی بر حضور مردم، محل توجه است، نقش گسترده هیات اجتماع جهت دفع بی حجابی با اقدامات فرهنگی است اما باید دانست شکل گیری پدیده حجاب به عنوان ارزش و هنجار مورد قبول جامعه نیز، نقشی اساسی در پیشگیری و دفع جرایم خاص از جمله جرایم جنسی دارد به تعبیر دقیق تر اعتقاد به سیاست مشارکتی مردمی و عمل به آن برای برقراری حجاب متعارف اسلامی، تنها سبب ایجاد اصل حجاب در جامعه می شود و پس از آن آنچه به عنوان عامل اصلی پیشگیری از جرایم جنسی مبنا قرار می گیرد، نفس رعایت پوشش اسلامی و حجاب متعارف خواهد بود بر این اساس وجود سه مرحله به قرار ذیل برای دفع جرایم جنسی بر مبنای توجه به موضوع حجاب قابل ملاحظه خواهد بود:

۱. حضور گسترده نیروی مردمی برای پیشگیری از ارتکاب جرایم یا تخلفات ناظر به پدیده بی حجابی در صحنه اجتماع با استفاده از ابزار موثر از جمله ابزار فرهنگی (تذکر به رعایت حجاب در جامعه توسط نهاد مردم)
۲. پذیرش و تحقق اصل حجاب به عنوان موضوعی دینی و اجتماعی توسط زنان و دختران جامعه ایرانی (پذیرش فاسد بودن بی حجابی توسط اشخاص مرتکب و بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی)
۳. پیشگیری و کاهش جرایم جنسی در نتیجه عمل به اصل حجاب در اجتماع (این مرحله را می توان جزئی از مرحله دوم نیز به حساب آورد)

اینکه حجاب عاملی جهت کاهش جرم باشد امری قطعی و یقینی نیست اما به تجربه می توان گفت یکی از عوامل کاهنده جرم به حساب می آید زیرا با بررسی تاثیر وجودی حجاب در محیط های مختلف جغرافیایی به سادگی می توان به این دیدگاه دست یافت که پوشش کامل زن، از جمله مصادیق امنیت او در برابر جرایم محسوب می شود در حقیقت درست است که حجاب نمی تواند به طور قطعی و دائمی از گناه جلوگیری کند، اما در پیشگیری از وسوسه های نفسانی و آماده شدن برای گناه، می تواند نقش مهمی را ایفا کند و تجربه نشان داده است که از بین محیط هایی که حجاب را رعایت می کنند و محیط های مختلط، محیط های با حجاب، بیشتر از آفت گناه در امان هستند [۲۲] بر این اساس در اثر تحقق مرحله دوم یعنی پذیرش واقعیت و اصل حجاب توسط زنان جامعه، حداقل می توان به شکل احتمالی از وقوع بسیاری از جرایم جنسی در صحنه اجتماعی جلوگیری کرد.

## ۶. نتیجه گیری

حجاب به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم، نقشی اساسی در سلامت جامعه دارد از این رو قانونگذار در متون مختلف قانونی، بر ضرورت حفظ پوشش متعارف و مناسب تاکید نموده است تا جاییکه از آن به عنوان مفهومی جزایی و خلاف ضوابط اداری سخن گفته است در واقع اهمیت موضوع به قدری است که در صورت عدم رعایت مقررات مربوط به عفاف و حجاب از سوی افراد جامعه، ضمانت اجراهای قانونی و اداری برای آن در نظر گرفته می شود به همین دلیل ضرورت وجود قوانین در زمینه حجاب اسلامی به عنوان یکی از ضروریات دین مبین اسلام امری اجتناب ناپذیر و بلکه ضروری است از طرفی نحوه اعمال ضوابط قانونی که در برخی موارد به طور سختگیرانه می باشد، به عنوان عاملی برای ارتکاب جرایم بیشتر در حوزه مسائل جنسی و در نتیجه تعدی به جنس زن قابل بررسی است چه اینکه برخورد همراه با خشونت توسط یک نهاد قانونی با پدیده بی حجابی، ممکن است موجبات نارضایتی جامعه خصوصاً زنان را فراهم کند به همین دلیل می بایست در کنار وجود مراجع قانونی هشدار دهنده و مجازات کننده جرم یا تخلف فوق، از ابزار های فرهنگی نیز برای جلوگیری از آن استفاده نمود. در این معنا اعتقاد بر آن است که وجود ابزار فرهنگی نه تنها برای کاهش جرایم مختلف از جمله جرایم منافی عفت یا اخلاق حسنه لازم هستند بلکه از اثرگذاری بیشتری نیز در عرصه اجتماعی برخوردارند هر چند استفاده از ابزار قانونی نیز بی علت نیست چه اینکه قانونگذار نیز به دنبال حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه در برابر پدیده بی حجابی است بنابراین وقتی عدم رعایت پوشش را زمینه ورود خسارت به جامعه بدانیم ضرورت برخورد قانون مدارانه با آن قابل توجیه منطقی خواهد بود. در زمینه وضع قوانین عفاف و حجاب نیز باید به سمتی حرکت نمود که با تاسیس قوانین مترقی و پیشرفته، به استفاده مطلوب از ابزار فرهنگی جهت تحقق حجاب توجه شود؛ در صورت تحقق و ایجاد قانون مطلوب، بهره گیری از نهادهای مردمی و به طور کلی ابزار فرهنگی نیز دارای مبنای قانونی خواهد بود.

از جمله ابزارهای فرهنگی اجتماعی، گروه های مردمی هستند که از طریق حضور در صحنه اجتماعی و بهره گیری از ضوابط دینی و اخلاقی نقش موثری در کاهش جرایم اجتماعی علی الخصوص جرم بی حجابی ایفا می کنند در این معنا آنچه اهمیت پیدا می کند، کنترل اجتماعی به دست خود اجتماع است بر این اساس جامعه با هدف صیانت از ارزشهای اسلامی در اجتماع حضور یافته و مطابق ضوابط دینی همچون مرجعی هشداردهنده از ارتکاب جرم پیشگیری می کند و از آنجایی که بخشی از هدایت اشخاص توسط خود جامعه رخ می هد پس بایستی ابزار هدایت و لوازم آن و نحوه استفاده و آگاهی از اهداف نیز مد نظر باشد به همین دلیل آموزش جامعه برای برخورد دینی و اخلاقی با مرتکب جرمی چون بی حجابی نیز باید به طور کامل مورد توجه قرار گیرد در

حقیقت برخورد با مرتکب با در نظر گرفتن اصل احترام به هویت زنانه، می‌بایست به عنوان قاعده ای اساسی، مورد توجه اهتمام باشد زیرا عدم توجه به هویت افراد خصوصاً زنان و دختران، عاملی برای از بین اعتماد به نفس و در نتیجه تحقق جرایم و آسیب های اجتماعی بیشتر خواهد.

سیاست مشارکتی اجتماعی در راستای تحقق اهداف مهم در زمینه پیشگیری از جرم می‌بایست با ایجاد گروههای تخصصی مردمی، دستیابی به اهداف کاهشی جرم را سریع تر دنبال نماید از این رو پیشنهاد می شود تشکیل گروههای فرهنگی اجتماعی از میان بانوان نخبه به عنوان عاملی مهم جهت صیانت از مفهوم حجاب در جامعه اسلامی، مورد توجه متولیان فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد. به تحقیق پیشگیری از پدیده بی حجابی توسط هم جنس بسیار موثر تر و پیشرفته تر خواهد بود.

باید دانست مشارکت گسترده نیروی مردمی جهت صیانت و پاسداری از مفهوم حجاب به تنهایی کافی نیست در حقیقت جامعه و افراد آن تنها بخشی از بدنه فرهنگی اجتماعی کشور به حساب می آیند حال آنکه نهاد های متعدد فرهنگی و اجتماعی نیز وجود دارند که می‌بایست در زمینه تحقق حجاب و پیشگیری از مفاهیم متضاد با آن تلاش نموده و در نتیجه سبب گسترش مرزهای عفاف در جامعه اسلامی شوند بنابراین لازم و ضروری است تا با استفاده از یک نوع سیاست فرهنگی و اجتماعی مشارکتی که متشکل از نهادهای مردمی و غیر مردمی است، به مقابله منطقی و عقلانی با پدیده بی حجابی بپردازیم در این معنا، مفهوم مشارکت آنچنان گسترده است که ضرورت حضور همه متولیان فرهنگی یا اجتماعی اعم از مردم و دستگاههای صلاحیت دار را، برای مقابله با مفاهیم ضد حجاب، توجیه می نماید.

به نظر می رسد در میان انواع حجاب (دیداری، گفتاری، رفتاری، پوششی) آنچه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است، حجاب ناظر به پوشش زنان جامعه ایرانی است طوری که در خصوص سایر انواع حجاب، حکمی قانونی وجود ندارد از این رو صرف گفتار همراه با ناز یا دیدن به قصد ریب و شهوت، جرم محسوب نمی شود به همین دلیل موضوعی چون پارتی های شبانه که به شکل مختلط برگزار می شوند، در صورتی که منجر به جرایم جنسی زنا، لواط یا شرب خمر نگردند، فاقد وصف جزایی خواهند بود بنابراین همانطور که صرف اختلاط زن و مرد نامحرم جرم محسوب نمی شود، پارتی مختلط نیز جرم نیست هر چند گناه و حرام بودن آن، قطعی است. این در حالی است که با در نظر گرفتن سایر انواع و مصادیق حجاب، می توان دایره جرم انگاری را نیز جهت حمایت از جامعه و جلوگیری از آسیب های ناشی از آن گسترش داد بر این اساس می‌بایست در تاسیس قوانین ناظر به عفاف و حجاب به مصادیق و انواع دیگر حجاب نیز توجه کرد همچنین توجه به آثار اجتماعی و فردی حجاب سبب خواهد شد تا به جای حجاب اسلامی از حجاب جهانی سخن بگوییم.

## منابع و مراجع

۱. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، ج ۱، چاپ اول، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۱۱۲
۲. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، ج ۱، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۴ه.ق، ص ۳۲
۳. سید رضی، نهج البلاغه، چاپ اول، بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۴۱۳ه.ق، ص ۳۴۷
۴. قرآن کریم، آیه ۳۲ سوره مبارکه احزاب
۵. طیبی، ناهید، عطر عفاف، چاپ اول، انتشارات جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ۱۳۸۶، صص ۱۷۸ و ۱۹۰
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چاپ اول، نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۲، ص ۵۵۹
۷. کریمی نیا، محمد علی، حجاب دختران، چاپ اول، پردیسان، قم، ۱۳۸۰، ص ۲۳



۸. بهرورزی، مریم، حجاب هاله ای از عفاف، چاپ چهارم، کانون قرآن و عترت حضرت زینب (س)، تهران، ۱۳۸۷، ص ۸۱
۹. قاضی، فاطمه، حجاب دختران، چاپ هفتم، گلستان ادب، قم، ۱۳۸۷، ص ۴۳
۱۰. رشیدی، حسین، حریم عفاف، چاپ دوازدهم، انتشارات رازبان، قم، ۱۳۸۵، ص ۵۵
۱۱. محمدی اشتهاوردی، پوشش زن در اسلام، چاپ دهم، نشر ناصر، ۱۳۷۲، ص ۵۳
۱۲. کوهی، محمد رضا، آسیب شناسی شخصیت و محبوبیت زن، چاپ چهارم، نشر اتقان، قم، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶
۱۳. نصیر زاده، قاسم، زن بصیرت حجاب، چاپ اول، نشر اکرام، قم، ۱۳۸۹، ص ۸۸
۱۴. نصیریان، مهدی، گنجینه عفاف، چاپ سوم، نشر اندیشه صادق، قم، ۱۳۸۹، ص ۳۷
۱۵. الهام، غلامحسین، برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ اول، میزان، تهران، ۱۳۹۴، ص ۸۴ و ۸۵
۱۶. محسنی، فرید، جرم شناسی، چاپ اول، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۴، ص ۳۴۹
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات، ج ۲، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، تهران، ۱۳۹۴، ص ۳۴۹
۱۸. جزینی، علیرضا، جهانتاب، محمد، پیشگیری مشارکتی از جرم، چاپ اول، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ۱۳۹۶، ص ۸۸
۱۹. شریعت موسوی اصفهانی، مصطفی، الشهاب فی مساله الحجاب، تک جلدی، دارالتفسیر، قم، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳
۲۰. سبحانی تبریزی، جعفر، استفتائات، ج ۳، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸
۲۱. گلپایگانی، محمد رضا، مجمع المسائل، ج ۲، چاپ دوم، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۰۹، ق. ص ۱۸۸
۲۲. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۳۴۰